

## یک سالگی پاندمی کرونا و درسهای آن برای بشریت!

صفحه ۳

جمال کمانگر

## در باره تاکتیک خلع ید از بخش خصوصی در هفت تپه

اختلاف برسر چیست؟

صفحه ۴

سیاوش دانشور

## علیه عوامل تشمت و تفرقه در هفت تپه

صفحه ۷

جاوید حکیمی

## دو گانه خصوصی، دولتی و مبارزات کارگران هفت تپه!

تلخیصی از گفتگوی تلویزیون پرتو با رحمان حسین زاده

## تامین و ارایه رایگان واکسن کرونا با استاندارد جهانی وظیفه

فوری جمهوری اسلامی است!

صفحه ۱۰

نادر شریفی



۵۷۶

# مصلحتی نیست کمونست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran -  
Hekmatist

۱۲ دی ۱۳۹۹ - ۱ ژانویه ۲۰۲۱

## واکسن بخرید!

## واکسیناسیون همگان

## وظیفه دولت است!

تامین واکسن کرونا وظیفه فوری دولت است. این اولویت اورژانس هر دولتی است. هیچ مانعی برسر راهتان نیست. تعطیل و بهانه جوئی برای تهیه واکسن سازماندهی کشتار جمعی است. حکومتی که عرضه تامین این بدیهی ترین و ساده ترین نیاز همگانی را نداشته باشد باید فوراً گورش را گم کند. مقامات آن باید استعفا دهند و محاکمه شوند. برای دستگاه خرافه و ماشین سرکوب و تروریسم پول دارید اما برای میلیونها بیمار و دهها میلیون انسان در معرض خطر پول ندارید! دروغ میگویند. با جان مردم بازی می کنید. این اقدام یک جنایت آشکار دولتی علیه ساکنین ایران است.

تامین و ارائه سریع واکسن رایگان با استاندارد سازمان بهداشت جهانی حق فوری کلیه ساکنین ایران است. واکسیناسیون همگان وظیفه فوری دولت است! این خواست طبقه کارگر است!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۲۵ دسامبر ۲۰۲۰

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



معمولا بشریت در شرایط بحرانی مانند زلزله، آتش سوزی، سیل و دیگر بلایای طبیعی در کنار هم و برای هم بوده اند. اما ویروس کرونا باعث رفتارهای عجیب و غریبی شده است که از راس دولتهای قدرتمند تا افرادی در جامعه رسوخ پیدا کرده است. اما این کل داستان یک سال گذشته نیست هزاران نمونه از خودگذشتگی را در جهان شاهد بوده ایم!

## یک سالگی پاندمی کرونا

### و درسهای آن برای بشریت!

جمال کمانگر

یک سال از پاندمی کرونا گذشت. آمار رسمی دولتها که توسط دانشگاه "جان هاپکینز" آمریکا جمع آوری شده نشان میدهد که بالغ بر یک میلیون و هشتصد هزار نفر جان خود را از دست داده اند و بیشتر از ۸۲ میلیون نفر هم بیمار شده اند. صدها میلیون نفر کار و زندگی شان را از دست داده اند. من در این یادداشت قصد ندارم به جنبه های مختلف این بحران توأم سلامت و اقتصادی پردازم. قبلمتر در پنج مطلب تحت عنوان "پاندمی کرونا و دوراهی نظم نوین جهانی" مفصل به آن پرداخته ام. که علاقه مندان میتوانند آنرا در شمارهای ماه مارس و آوریل ۲۰۲۰ نشریه کمونیسست هفتگی مطالعه کنند.

پاندمی کرونا در زمانی رخ داده است که مرزهای جغرافیایی و "ملی" فقط روی کاغذ باقی مانده اند. جهانی شدن سرمایه همه موانع رشد و سودآوری را در اقصاء نقاط جهان چنان درهم کوبیده است که یک سرفه در هر گوشه ای از کره پهناور زمین به مسئله روز بخش وسیعی از مردم تبدیل میشود! اما این انکشاف وسیع تناقضات نظام سرمایه داری با سلامت و خوشبختی بشر را بیش از هر زمانی عیان کرده است. دنیای پست دیجیتال، انتگراسیون بی نظیری بین مردمان جهان بوجود آورده است که بشریت نه در دوره همه گیری بیماری "طاعون" قرون وسطی و نه همه گیری "آنفلوآنزای اسپانیایی" شاهد آن بوده است. این وجه از دسترسی آزاد به اخبار و اطلاعات، توقع و خواسته های برحق را روی میز جامعه در درجه اول و دولتمردان سرمایه گذاشته است. حق برخورداری از بهداشت و درمان رایگان و همگانی و تامین معیشت آحاد جامعه دو خواسته برجسته این دوران بوده است.

بشریت در سال گذشته توسط یک ویروس که تنها با میکروسکوپ الکترونی قابل مشاهده است چنان به چالنج کشیده شده است که رفتارهایی از خود نشان داده است باید از جنبه های مختلف مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. این ویروس برای تعدادی از مردم هیچ عارضه ای به بار نمی آورد! اما برای تعدادی دیگر خیلی کشنده و منجر به مرگ میشود. ویروس کرونا شکاف عظیمی بین کسانی که از سلامتی کامل برخوردارند با کسانی که بیماری زمینه ای دارند بوجود آورده است. کرونا بخشی از جوانان و کل دولتها را به جان سالمندان انداخته است. ضدیت آن بخش از جوانان در کشورهای مرفه خود را در عدم پایبندی به محدودیتهای اجتماعی نشان میدهد اما ضدیت دولتها با سالمندان در سیاست به غایت ضد انسانی "ایمنی گله ای" و عدم تهیه وسایل مورد نیاز پیشگیری برای کارکنان سرای سالمندان در ماههای اول شیوع بیماری بوده است.

سالانه تریلیون تریلیون دلار خرج ساز و برگ نظامی و سلاحهای کشتار جمعی میشود در حالی که در ماههای اولیه این پاندمی کشورهای مختلف متوجه خالی بودن انبارهایشان از مواد اولیه مورد نیاز پزشکی برای مقابله با ویروس کرونا شدند. به سبک دزدان دریایی کشورهای قدرتمند دست به مصادره ماسک و دستگاههای آی سی یو زدند. در راس این کشورها آمریکا مواد ارسالی برای جزیره کوچک باربیدوس و آلمان را به نفع خود مصادره کرد. امتیاز تولید تمام داروی "ریمیدیسور" را برای خود خریداری و کشورهای دیگر را از آن محروم کرد. این در حالی بود که کشورهای مختلف براساس پروتکل سازمان بهداشت جهانی در مواجهه با پاندمی های مختلف باید اطلاعات و دانش خود را با هم به اشتراک بگذارند. ظاهرا ۱۷۱ کشور در پروژه سازمان بهداشت جهانی تحت عنوان "ابتکار عمل کوآکس" دور هم جمع شده اند که کشورهای فقیر از کشف و تولید واکسن کرونا بی نصیب نمانند و حداقل دو میلیارد دوز در سال ۲۰۲۱ به این کشورها تعلق بگیرد. اما به محض اینکه واکسن "باین تک و فایزر" تست و به بازار آمده است، ۸۰ درصد از تولید آن در سال ۲۰۲۱ توسط چند کشور ثروتمند جهان خریداری شده است. طبق نظر کارشناسان بهداشتی اگر تمام ۵ واکسن کشف شده هم وارد بازار شوند تا سال ۲۰۲۲ هنوز کل مردم دنیا واکسینه نخواهند شد. هر چند سازمان بهداشت جهانی در مورد آنچه "ناسیونالیسم واکسن" نامیده شده است هشدار داده بود، اما معلوم شد هرکس پول و نفوذ بیشتری روی غول های داروسازی جهان دارد در صف اول قرار میگیرد و بقیه کشورهای فقیر در صف آخر هستند. من شخصا امیدوار هستم هرچه زودتر نه تنها واکسن کرونا از انحصار کارتل های داروسازی خارج شود و کشورهای دیگر بتوانند این انحصار را بشکنند، بلکه سایر داروها هم از انحصار بازار خارج شوند و حق برخورداری همگانی به بهداشت و درمان رایگان حقی تخطی ناپذیر اعلام شود.

در یک سال گذشته مورد مشترکی در میان تمام کشورها وجود داشت، کسانی که بیماری زمینه ای دارند بیشترین قربانی کرونا شده اند. اما در کشورهای غربی و آمریکا مورد رنگ پوست و نژاد هم به آن اضافه شده است! تعداد مرگ و میر در میان دو گروه بالا زیاد است اما باید کمی پوسته این ادعا را بشکافیم که چقدر حقیقت در آن وجود دارد. کرونا به ما ثابت کرد که سلامتی "ژنتیکی" نیست و ریشه در نابرابری اقتصادی و اجتماعی دارد. نه ژنتیک سوئدیهها و نه سفید پوستها زیاد در تعیین بیمار شدن تاثیر ندارد، بلکه نابرابری اقتصادی و اجبار برای کار کردن در هر شرایط سختی موجب خطرات بیشتر برای انسانها

## یک سالگی پاندمی کرونا

### و درسهای آن برای بشریت ...

میشود. چند محقق با شرف در تحقیقاتشان نشان داده اند که ژنتیک انسانها کمترین تاثیر در بیماری کرونا دارد. انسان کارگر و زحمتکش که روزانه مجبور میشود برای پر کردن شکم خود و بچه هایش تن به هر کاری بدهد و سر کار برود، معلوم است با تعداد زیادی انسان دیگر سر و کار خواهد داشت. معلوم است که از وسائل نقلیه عمومی استفاده میکنند. معلوم است که در خانه های پر جمعیت و با استاندارد پایین زندگی میکنند. به علاوه از دسترسی سریع و کافی به بهداشت و درمان عمومی بی بهره هستند. بخش زیادی از این جمعیت اتفاقاً جزو کسانی بوده اند که در تمام سال ۲۰۲۰ در خط مقدم مقابله با این بیماری مهلک بوده اند. باید به احترام این بخش زحمتکش اجتماع بشری کلاه از سر برداشت!

پاندمی کرونا نشان داد که نقش کادر درمانی و پزشکی و کارگران بخش خدمات و حمل و نقل و تولید مواد ضروری در جامعه، صدها برابر از قشر مفتخور مذهبی و نمایندگان دروغین مردم در پارلمانها و شارلاتانهای سفته باز بانکها بیشتر است. جامعه از این بیماری مهلک هم عبور خواهد کرد اما نباید اجازه داد روال سابق در نابرابری اقتصادی، اجتماعی بیشتر از این ادامه پیدا کند. مردم باید حساب بی لیاقتی و سربرابر بودن دولتها و پارلمان های بورژوازی را کف دستشان بگذارند.

تا آنجا که به مردم ایران برمیگردد پاندمی کرونا صد چندان نشان داد که رژیم اسلامی وصله ناجوری است که بر تن آن جامعه دوخته شده است. بی لیاقتی و بی کفایتی رژیم باعث مرگ جانهای زیادی در یکسال گذشته شده است. فساد از سر و کول رژیم می بارد. همین چند روز گذشته بدروغ اعلام کرده اند که پول تهیه واکسن کرونا را ندارند. همزمان یک عضو حماس اعلام کرده است که قاسم سلیمانی جنایتکار، هواپیمای پر از دلار را از سوریه تا لبنان و یمن و عراق می چرخاند و جیره و مواجب تروریستهای دست پرورده اش را میداد. \*

## دولت موظف به تامین نیازهای

معیشتی، درمانی و بهداشتی

شهروندان در شرایط گسترش

پاندمی کرونا است!

## مرکز خبری کمیته کردستان حزب حکمتیست

### در رابطه با به تاخیر انداختن اعدام هیمن مصطفایی

بنا به خبر دریافتی امروز پنجشنبه ۱۱ دی ماه، حکم اعدام هیمن مصطفایی با تلاش فعالین اجتماعی شهر سنندج برای چندمین بار بمدت یک ماه با هدف جلب رضایت از خانواده مقتول به تاخیر افتاده است. هیمن مصطفایی اهل شهر مریوان است و به دلیل قتل فردی به اسم ابراهیم محمدی مجرم و به اعدام محکوم شده است. طی سالهای گذشته با تلاش فعالین اجتماعی شهر سنندج تاکنون چندین نفر از اعدام نجات یافته اند. هفته گذشته در ادامه همین تلاشها، عرفان حیدریان نیز از اعدام نجات یافته است.

کمیته کردستان حزب حکمتیست از تلاشهای فعالین شهر سنندج برای نجات جان محکومین به اعدام حمایت می کند و این اقدامات موثر و انسانی را ارج می نهد. لغو حکم اعدام به عنوان عملی شنیع و غیرانسانی مطالبه عموم مردم است و باید لغو شود.

نه به اعدام!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

مرکز خبری کمیته کردستان حزب حکمتیست

۱۱ دی ماه ۱۳۹۹

## زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای

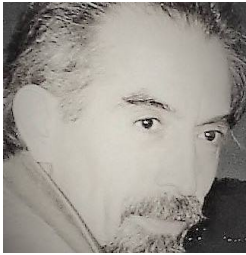
را همه جا برپا کنید!

در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا

کنید!

امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا

ارگان حاکمیت!



## در باره تاکتیک خلع ید از بخش خصوصی در هفت تپه

### اختلاف بر سر چیست؟

سیاوش دانشپور

و مسائلی از این دست باشد، که البته هیچکدام از اینها کمترین موضوعیتی ندارند، بر سر نگاه از دو موقعیت عینی و اجتماعی متفاوت به یک واقعیت زنده و یک جنبش واقعی است. نگاه کارگر هفت تپه به مسائلی با نگاه باصطلاح سوسیالیستی که فقط در اینترنت توثیق میزند و یا راجع به تئوری و فلسفه و جریان شناسی سخن میگوید، به همان مسائل تفاوت ماهوی دارد. دغدغه ها و سوالات این دو یکی نیستند و دنبال نتایج یکسانی نیز نیستند. در مواردی نقد تاکتیک خلع ید از زاویه جناح هائی از سرمایه داران و منفعت صریح یک جنبش طبقاتی ضد کارگری طرح میشود. این طیف آخر شاگردان وطنی مکاتب اقتصادی بازار آزاد هستند که جوابشان را قبلا از کمونیست ها گرفته اند.

هفت تپه یک جبهه زنده مبارزه کارگری است که کلیت مبارزه طبقاتی در ایران از آن الهام میگیرد و تاز آن اثر می پذیرد. هفت تپه جلودار طرح خواسته ای است که بخشهای مهمی از طبقه کارگر در مراکز صنعتی و آموزشی و درمانی با آن روبرو هستند. کشمکش بر سر افسار زدن به فعال مایشائی بخش خصوصی و سیاست خصوصی سازی، دقیقا بدلیل عواقب هولناکی که برای کارگران داشته و بلافاصله دارد، یک حرکت و تمایل گسترده در میان بخشهای مختلف طبقه کارگر است که اساس سیاستهای اقتصادی جمهوری اسلامی را از زاویه ای کاملا قابل دفاع و بسیج کننده در شرایط معین سیاسی ای زیر سوال می برد. کسی ممکن است بگوید این سیاستها ساختاری و برگشت ناپذیر است و توهم است، خوب با همین دلایل هم میتوان گفت که مبارزه برای سرنگونی سرمایه داری و انقلاب کمونیستی نیز اگر نه به همان اندازه بلکه بسیار بیشتر غیر ممکن است! چرا "برگشت ناپذیر" است؟ چون قانون حاکم بر سرمایه داری امروز است؟ خوب باشد، مبارزه می کنیم و عقب میرانیم. این حکم که خصوصی سازی قانون و اساس سرمایه داری امروز است و بنابراین برگشت ناپذیر است، با ادعای "اذلی و ابدی" بودن این نظام توسط سخنگویانش چه تفاوت ماهوی دارد؟ خیر، همه چیز ممکن است اگر اراده و مبارزه متشکل و متحد طبقه کارگر در صحنه باشد. اگر این نبود اصولا بحث مبارزه کارگری برای بهبود و تغییر مرتب تناسب قوا و بحث و استراتژی انقلاب کارگری علیه سرمایه داری موضوعیت نداشت. خلع ید سوال بلافصل رهبران کارگری و کارگران هفت تپه است که فی الحال در این جنگ درگیرند. این طرح یک تاکتیک مبارزاتی و مشخص، براساس مجموعه تناسب قوا و وضعیت کنونی هفت تپه برای جلو رفتن است. این موضوع برای رهبران کارگری مسئله ای معرفتی نیست، سوالی پراتیکی و امری مبارزاتی و بلافصل است. امری که کارگران را متحد میکند و بمیدان اعتراض و اعتصاب می کشاند، متحد نگاه میدارد و پیروزی را گامی برای ایجاد شرایط مساعدتر بنفع مبارزه و تشکل و اتحاد خویش میداند. کارگر هفت تپه با طرح تاکتیک درست و دادن تبیین کارگری و طبقاتی از آن، عملا دارد به تامین حضور طبقه کارگر در کشمکش سیاسی جاری کمک میکند. رهبر کارگری ناچار است موانع و مشکلات را ببیند

مبارزات کارگران هفت تپه به مرحله مهم و حساسی رسیده است. سالها مبارزه و اعتراض و اعتصاب، امروز حول خواسته خلع ید از کارفرمایان هفت تپه و بخش خصوصی متمرکز شده است. معنی پیروزی ایندوره مبارزه کارگران هفت تپه تحقق این خواسته است. پیروزی در این مبارزه، کارگر هفت تپه و مبارزات طبقه کارگر ایران را در موقعیت جدیدی قرار میدهد. هفت تپه ای ها بنا ندارند از سیاست شان کوتاه بیایند، لذا اگر هیئت داوری رای به نفع کارفرمایان اختلاس گر صادر کند، که نظر به شواهد و اعمال فشارهای امثال اتاق بازرگانی و طرفداران پروپاقرص بخش خصوصی امکان دارد که با خریدن زمان رای به ابقای اسدبیگی ها دهند، کارگران هفت تپه شکست نخوردند بلکه مبارزه را در اشکال جدیدی ادامه خواهند داد. همانطور که در تمام این سالها با افت و خیزهای فراوان به مبارزه ادامه دادند. فشرده سیاست کارگران هفت تپه در این مبارزه، خلع ید از بخش خصوصی، دولتی شدن شرکت و اداره آن تحت نظارت شورائی کارگران است. این بیان واقعی و پیشرو تناسب قوائی است که وجود دارد و کارگران هفت تپه بیش از هر زمانی از این خواست حمایت می کنند.

کارگران هفت تپه توانسته اند سوال و مسئله شان را به کل جامعه تسری دهند. روزنامه ها هر روز راجع به هفت تپه می نویسند، هفت تپه شاید شناخته شده ترین مرکز کارگری ایران برای عموم مردم باشد. کارگران موفق شدند کل بدنه حاکمیت اسلامی را درگیر کنند، کارفرما را به دادگاه بکشانند، علیرغم سرکوب مستمر و هزینه دادن ها توانستند حقانیت خود را به درکی عمومی تر بدل کنند، موفق شدند یک مبارزه کارگری معین با خواسته ای معین را در صفحه سوالات روز سیاست قرار دهند، نیروها را حول آن قطبی کنند، و مهمتر قطبنمای استقلال طبقاتی و منفعت کارگری را گم نکنند. کارگران هفت تپه با ابتکارات و عملکردشان پرچمی را برافراشته اند که یک سوال بخشهای مهمی از طبقه کارگر ایران است.

بجتهای طرح شده حول تاکتیک خلع ید از کارفرمای هفت تپه و همینطور در باره تظاهرات تهران، برغم تفاوتها، عمدتا سخنان فعالین و گرایشی نیست که فی الحال در مبارزه جاری در هفت تپه حضور دارند و یا در سوخت و ساز روزمره جنبش کارگری در مراکز صنعتی نقشی ایفا می کنند. بعبارتی از طیف آشنا به کار و محیط کارخانه های بزرگ با شناخت محدودیتها و مسائل ویژه منطقه ای نیستند. بلکه صرفا از دور و بخشا در سطح حدسیات، و در بهترین حالت تکرار کلیاتی بدیهی و هزار بار دقیق تر گفته شده دور میزنند. راستش مشکل مقداری عمیق تر است. بعنوان مثال اختلاف قبل از آنکه بر سر درک درست از ماهیت سرمایه و مناسبات و روابط سرمایه داری و مبارزه ضد سرمایه داری باشد، اختلاف قبل از اینکه بر سر توهم داشتن کارگران هفت تپه به بخش دولتی یا به بخش سپاه باشد، اختلاف قبل از اینکه بر سر هشدارها برای نزدیک شدن کارگران به این و آن دانشجوی بسیجی یا جریان حکومتی

## در باره تاکتیک خلع ید از بخش خصوصی در هفت تپه

### اختلاف بر سر چیست ...

و تناسب قوا را دقیقاً بشناسد، برای تغییر مرتب معادله تناسب قوا راه حل و سیاست داشته باشد، خط مشی تاکتیکی عام و تاکتیکهای خاص در هر مورد اتخاذ کند. همزمان ناچار است در مقابل کسانی که بنام "دفاع از کارگران" گوشه ای از مطالبه کارگران را طرح و نتیجه وارونه و دلخواه شان را از آن بگیرند، بایستند و برسر اینکه کارگران دقیقاً چه میخواهند و چه میگویند جدل کند. مشغله بلافصل رهبر کارگری اینست که کارگران را متحد کند، از توطئه و انشقاق و انواع دام های امنیتی و پرووکاسیون ها هشیارانه عبور کند، کارگران را در مبارزه شان متحد نگاهدارد و مهمتر متحدتر و قدرتمندتر بیرون بیاورد. یکی دو اشتباه مهلك سیاسی و تاکتیکی در این مبارزات میتواند پرونده هر فعال کارگری را ببندد. لذا هر کاری را همیشه نمیتوان کرد و اتخاذ هر سیاست درستی وقتی که شرایط آماده نباشد و نیروی کافی پشتش نباشد محکوم به شکست است. اما برای کسی که چنین مسئولیت و دغدغه ای ندارد، برای کسی که با این مشکلات عذیده عملی و واقعی روبرو نیست، سوالات هم مشترک نیستند. اتخاذ موضع کافی است، چنین کسی میتواند هر روز موضعی بگیرد. برای رهبر کارگری و عناصری که روزمره درگیر این کشمکش طبقاتی اند، این مسائل تعیین کننده و حیاتی اند. برای کسی که میخواهد کارگران از این کشمکش پیروز بیرون بیایند و صف حکومتی ها و جناح های متفرقه سرمایه به یک عقب نشینی وادار شوند، مانور و استفاده از تناقضات جبهه دشمن ضروری است، تعیین میدان جنگ و محاسبات عملی و تاکتیکی تعیین کننده است. استفاده از شکاف بالائی ها و مانور دادن در این قلمرو هنوز گوشه بسیار ناچیزی از حرکت کارگران هفت تپه را منعکس نمی کند. کارگر هفت تپه و رهبرانش با قدرت بسیج گسترده و سازماندهی اعتصابات بزرگ و طولانی شناخته می شوند. بدون اهرم و قدرت اعتصاب و حمایت توده ای کارگران، استفاده از تناقضات بالائی ها هم ممکن نیست. آنها بقول خودشان "پایتخت اعتصاب جهان" هستند. برای نیروی که اهرمی دارد و میتواند تحت فشار قرار دهد، مانور و مذاکره و تحمیل خود بعنوان طرف حساب اصلی و نمایندگان واقعی کارگران، بخشی از کشمکش جاری است.

مشکل بسیاری از انتقادات ظاهراً چپ نه در صورت ظاهر آنها بلکه از اینجا شروع میشود که در این دغدغه تاکتیکی و پراتیکی کارگر هفت تپه شریک نیستند. حتی شناخت درستی از دینامیزم این مبارزه ندارند و لذا نبض سیاسی شان با نبض رهبران هفت تپه و مبارزات کارگران هفت تپه نمیزند. برای این طیف هارمونی فکری مهم تر است. وقتی واقعیت بیرونی با قاپ ذهنی و توقع فعال سیاسی در تناقض می افتد، بجای رودروئی با واقعیات و برسمیت شناسی آن و شکستن بن بست ها، از واقعیت فرار میکند و به نقد آن تحت عنوان "انحراف" می نشیند. امر ذهنی شخص بیرون این جدال کارگری به امر عینی خود اعتراض کارگری و هدف بلافصل آن سایه می اندازد. نگرانی از اینکه "مبادا کارگران طعمه بسیجی ها شوند" به اینکه گویا

"یک هماهنگی" بین آنها رخ داده است ارتقا می یابد و "آی انحراف" و "بکجا میروید" سر و کله اش پیدا میشود! تصور این برای من برآستی مشکل است که در تهران باشی و در تظاهراتی بدعوت کارگران هفت تپه که خودشان حضور ندارند و از نوع شما منتقدین عزیز دعوت کردند که در دفاع از ما حضور یابید و صدای ما باشید، به هر دلیل موجه و ناموجهی شرکت نکنید و صدای آنها نباشید؛ بعد به کارگران هفت تپه انتقاد کنید که چرا بسیجی ها جلوی وزارت دادگستری جمع شدند و سازماندهی شده بودند! این بسیار عجیب است! کارگر هفت تپه در این میان بی تقصیر است، فراخوانی عمومی بدون حضور خودش داده و انتظار موجهی را طرح کرده است. اینکه من و شما با علم به درگیر شدن جناح های مختلف در قبال مسئله هفت تپه و حساسیت دوچندان آن، به هر دلیلی شرکت نمیکنیم و شرکت نکردنمان را با یک باصطلاح نقد چپ به کارگر هفت تپه مزین می کنیم، چرا باید کارگران هفت تپه پاسخگو باشند؟ چرا خود شما منتقد گرامی پاسخگو نیستید؟

این نوع مباحث در سطوح مختلف بدوا مشغله و دغدغه واقعی گویندگانش را بیان می کند. متدولوژی تحمیل ذهنیت یک فعال سیاسی به یک جنبش واقعی، دردی قدیمی و یک معضل پراتیکی است. نشناختن شرایط کنکرت و مشخص کارگران در هر جبهه مبارزه و الزامات پیشروی، بجای آن صدور احکام کلی و رادیکال نمائی برای استتار این بی عملی و پاسیفیسم، دردی قدیمی است. مشکلی که همواره از ذهن مجرد و احکام و اهداف غائی حرکت می کند اما نقشه راهی برای پیمودن گامهائی موثر و واقعی برای نزدیک شدن و نه حتی رسیدن به همان اهداف ندارد. این دیدگاه و فعالینش در حرکت کارگران برسر گرفتن این و آن سنگر از کارفرما و دشمنان کارگران شریک و حاضر نیست، لذا نمی تواند مثل آن رهبر کارگری و آن رهبر عملی به مسائل برخورد کند و چه بسا حرکت آن فعالین را ممکن است "راست روی و انحراف" نام بگذارد. از مسائل انتزاعی و ذهنی شروع میکند و در این دور باطل می چرخد. برای این نگرش، کمونیسیم و انتقاد ضد سرمایه داری نه یک جنبش جاری و واقعی کارگری بلکه تبدیل به یک مجموعه احکام و شبه دینی شده است که از درک زنده و معضلات یک مبارزه کارگری عاجز است چه رسد به اینکه بتواند در آن دخالت کند. هیچکدام از منتقدین عزیز تجربه سازماندهی یک اعتصاب نسبتاً بزرگ پانصد تا هزار نفره و هدایت و رهبری آنرا حتی برای چند روز ندارند. برایشان سوال نیست که رهبرانی که قادر به این کارند و بارها صلاحیت شان را نشان داده اند، کسانی که قدمها جلوتر از بهترین این مباحث و انتقادات را با ادبیاتی کارگری و عامه فهم بیان کرده اند، اینها نیازمند روشنگری در باره عدم تفاوت ماهیت سرمایه خصوصی و دولتی نیستند. این خط بجای اینکه درک روشنی از موقعیت صف خود و دشمن و عوامل مساعد و نامساعد مبارزه کارگران داشته باشد و براین اساس خط مشی روشنی بر مبنای این وضعیت کنکرت برای پیشروی کارگران تدوین کند، واقعیت بیرونی را متناقض با قاپ ذهنی و تصورات و توقعات از پیشی خود از هفت تپه می بیند و به جنگ این تناقض می رود. تناقضی که میتواند در تویتر و اینترنت و بحث با محافل دوستان یا در ذهن مجرد وجود نداشته باشد اما روی زمین سخت مبارزه یک واقعیت غیر قابل انکار است که باید چشم در چشم آن دوخت و راه برون رفت یافت.

## در باره تاکتیک خلع ید از بخش خصوصی در هفت تپه

### اختلاف بر سر چیست ...

#### قطبی شدن سیاست حول مبارزه کارگری

هر مبارزه ای که قطبی و به سوال جامعه تبدیل شود، جنبشها و جریانات مختلف از حکومتی تا اپوزیسیونی و رسانه ها و مفسرین به آن می پردازند. زمانی کارگران می گفتند مبارزه مان را به سطح اخبار برسانیم و اینرا یک موفقیت مهم می دانستند. امروز کارگر هفت تپه و مبارزه اش نقل مجلس همه گروه بندی های سیاسی در جامعه و حکومت و رسانه ها است. تردیدی نیست این مبارزه را پیچیده تر و سیاست و خط مشی تاکتیکی برای پیشروی آنرا مهم تر می کند. تردیدی نیست بازتاب گرایشات اجتماعی در صفوف طبقه کارگر در فقدان یک وحدت طبقاتی قوی و سیاستهای روشن و مستقل کارگری، میتواند این مبارزات را به این سمت و آن سمت ببرد و حتی لغزش هائی را مرتکب شود. نکته اینست که کارگر وقتی جلوی صحنه سیاست قرار میگیرد و بعنوان کارگر فراخوان میدهد، اولین کار حمایت گسترده تمام کارگران و هم طبقه ای ها و تمام آزادیخواهانی است که با هر روایتی کنار مبارزه طبقه کارگر و در مقابل کارفرمایان و دولت آنها ایستاده اند. آنهم وقتی که نیروهای حکومتی و دشمنان شناسنامه دار کارگران وارد گود شدند، این حمایت هزار بار ضروری تر است. این دیگر دعوت خانه کارگر یا جناح های حکومتی نیست بلکه دعوت عمومی کارگران هفت تپه است. در این جدال میدان را برای بورژواهای متفرقه خالی کردن و بجای آن با هر بهانه ای کارگران هفت تپه را سیبل کردن، اسمش را هرچه میخواهید بگذارید اما نه فقط با هر روایت خام از رادیکالیسم کارگری و کمونیسم در تناقضی خرد کننده و مهلک قرار دارد بلکه سیاستی راست است که دودش به چشم کارگران هفت تپه می رود و تنها بسود کارفرما و دولت مدافع آنست.

هنر یک پراتیسیسین انقلابی، هنر یک تاکتیسیسین کمونیست و سوسیالیست،

هنر یک سازمانده کارگری، درک مجموعه اوضاع و صحنه مبارزه و موقعیت نیروها، اقناع و بسیج توده کارگران، تعیین سیاست و تاکتیک هائی برای پیشروی، طرح شعارهای مرحله ای این مبارزه، سوال واقعی و نقشه راه پیروزی هر مبارزه مشخص است. مبارزه ای که کارگران را یک گام جلو میراند. "رادیکال هائی" که از واقعیت عینی و سطح تناسب قوا و درجه اتحاد کارگران بسیار جلوتر میزنند، در گام اول اتحاد کارگران را از هم می پاشانند و "واقع گراهائی" که بدلیل شرایط استبدادی حاکم مشغول مانور و مانیپولاسیون و لابی در بالا هستند و قدرت کارگران در پائین را فراموش می کنند، در همان گام اول پرچم سازمانهای حکومتی از قبیل خانه کارگر و شورای اسلامی را میان کارگران برافراشته اند حتی اگر خود بر آن واقف نباشند. هنر کارگر کمونیست و خط مشی رادیکال اینست که در شرایط واقعی با امکانات موجود، استقلال و اتحاد طبقه را حفظ کند و به این یا آن طزف ماجرا درنگند. صلاحیت و آتوریته رهبران کارگری در این مسیر بنمایش در می آید و به واقعیت بدل می شود. رهبران کارگری نمیتوانند مکانیزم سلبریتی شدن را طی کنند، جایگاه و آتوریته و نفوذ کلام آنها محصول پروسه مبارزاتی تماما متمایز جنبش شان از دنیای رقابت بازار و بورژوازی است. در صورتی که رادیکالیسم برای خرده بورژوازی از عروج هیجانانگیز و تعصبات سکتاریستی تا محاسبات بقالانه و کاسبکارانه فراتر نمی رود.

خلع ید از بخش خصوصی و بیرون انداختن کارفرمای فاسد در هفت تپه هشیارانه ترین تاکتیک و حاصل یکدوره مبارزه کارگران هفت تپه است. منتقدین این سیاست و تاکتیک حتی در سطح چند سطر قابل فکر و عینی و مربوط، راه حل و آلترناتیوی ندارند. از اعتراضات برحق کارگران هفت تپه و تلاش آنها برای خلع ید از بخش خصوصی و دولتی شدن با نظارت شورای کارگری حمایت کنیم! موفقیت کارگران در این مبارزه ممکن است و با هر کش و قوسی نهایتا این سنگر را فتح می کنند!

۳۱ دسامبر ۲۰۲۰

\*\*\*

## کارگران در اعتراضات

## به مجمع عمومی متکی

## شوید!

## جنبش مجمع عمومی

## کارگری را گسترش دهید!

## جهان بدون فراخوان

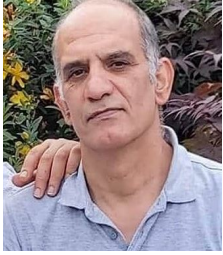
## سوسیالیسم،

## بدون امید سوسیالیسم،

## بدون «خطر» سوسیالیسم،

## به چه منجلابی تبدیل میشود!

منصور حکمت



## جاوید حکیمی

### علیه عوامل تشتت و تفرقه در هفت تپه

دشمن را فروغلتیدن در دام بازی های جناحی تلقی می کنند. این نوابغ سیاسی نمی بینند کارگر در آن واحد دارد با تمام حکومت می جنگد و توسط تمام حکومت سرکوب می شود. مزدوران اسدیگی، سیلی به صورت کارگر و شلاق بر کرده اش را "نوازش های پدران" می خوانند. شرافت که نباشد دهان بوی تعفن می گیرد. با این همه ستون پنجم نظام فراتر از یک یا چند مزدور اجیر شده است. یک خط سیاسی معلوم با شخصیت های متعدد، بخشا

آگاهانه و بخشا ناآگاهانه و بدلائل دیگر، اکنون همراه و همسو با سرکوبگران کارگران، تمام و کمال مقابل کارگر صف آرایی کرده است. خوشبختانه این عناصر نقشی و نفوذی در جنبش کارگری ندارند با اینحال بعنوان یک نگرش و خط سیاسی، علیه هر تحول رادیکال در جنبش کارگری است و به راست نیرو میدهد.

ناسیونالیسم چپ امروز در هیئت همان عوام فریبانی ظاهر شده که رسالتش ایجاد تفرقه و تشتت در صفوف کارگران است. اگر آگاهی نمی تواند جز هستی آگاه باشد آنگاه آگاهی این چپ که خود را تحت عنوان "فعال کارگری" شناسانده است نمی تواند آگاهی انتزاعی و مجرد نباشد. شبه انقلابیون چپ نما با نقد انتزاعی در قالب عبارت پردازی های توخالی و انقلابی مآبانه، با دروغ و تحریف واقعیت، با پرتاب اتهامات ناروا به سمت صدیق ترین کارگران، عملا در جبهه کارفرمایان شمشیر می زنند. جای تاسف است که کسی که دو سال پیش هیئت مدیره شرکت واحد را به خاطر عدم برگزاری مجمع عمومی فاقد صلاحیت می دانست امسال سندیکای هفت تپه را یگانه مرجع ذیصلاح برای صدور فراخوان می داند. پشت این تناقض گویی آشکار اغراض شخصی نهفته است، غرض تخریب شخصیت رهبران محبوب کارگری است. وانگهی اگر خواست خلع ید بکل غلط و بازچه شدن است، چه فرق می کند فراخوان دهنده، شخص باشد یا تشکل؟ اینها یکبار پیش از تجمع فراخوان دهنده را بابت چنین دعوتی به سخره گرفتند و یکبار پس از تجمع بابت عدم حضور در آن! تردید ندارم اگر کارگران هفت تپه عازم تهران می شدند آماج حملاتی به مراتب تندتر از سوی بخشی از منتقدین قرار می گرفتند.

ناسیونالیست های چپ نما نه از جنس کارگر صنعتی اند و نه قادر به سازماندهی طبقه، لیکن داعیه رهبری آن را دارند. مباحث تئوریک آنها مبتذل، شعارهایشان توخالی و خرده گیری هایشان جنجال برسر هیچ است. در بحبوحه حادثه کشمکش طبقاتی، دغدغه ذهنی اینها عبارت از این است که چرا اسماعیل نوشته است "جامعه کارگری" و یا می گوید والسلام!! این است تمام عمق جدال تئوریک و نکته سنجی این منتقدین! مبارزه بی امان با این خطوط انحرافی و افشای عوامل تفرقه و تشتت در جنبش کارگری یک وظیفه تعطیل ناپذیر کمونیست ها برای حفظ انسجام و همبستگی طبقاتی کارگران است.

\*\*\*



هفته تپه حکایت غریبی پیدا کرده است. کشمکش طبقاتی در این منطقه فراز و فرود بسیاری به خود دیده است. وقایع چنان غیر قابل انتظار و تحولات چنان غافلگیرانه رخ می دهند که هر بار توازن قوای موجود را یکسره دگرگون می سازند. درست جایی که بورژوازی اعتراضات را سرکوب کرده و به خیال خویش غائله را خوابانده، ناگهان یک اعتصاب حماسی و بی نظیر صحنه را تغییر می دهد. از طرف دیگر، آنجا که کارگران، هوشمندانه جامعه را علیه دشمن خود بسیج نموده و خلع ید را امری تحقق یافته می پندارند اوضاع ناگهان به گونه ای دیگر رقم می خورد.

هفته پیش هیئت داوری اعلام رای قطعی در باره هفت تپه را به جلسه دیگر موکول کرد. چرا؟ ظاهرا کمبود مدارک! لیکن تحرک چپ ناسیونالیست برای اتهام زنی و تحریف واقعیات از یک سو و اخطار قوه قیاس برای آغاز دوباره محاکمه رهبران کارگری از سوی دیگر، پرده از معمای این تاخیر طراحی شده برمی دارد. می خواهند جنگ را فرسایشی، ستون پنجم را فعال، رهبران را سرکوب و کارگران را به تسلیم وادارند.

در این جدال نفس گیر، اتحاد و همبستگی طبقاتی برای کارگران از نان شب هم واجب تر است. مبارزه اگر ده سال هم به درازا بکشد طبقه متحد می تواند دوام بیاورد لیکن تفرقه و تشتت یعنی پایان جنگ، یعنی شکست. رهبران هفت تپه و سازماندهندگان اعتراضات، اکنون وظیفه ای بس خطیر و سنگین به دوش دارند. آنها می بایست از میان زنجیره مطالبات به حق کارگران، آن حلقه اصلی، آن مطالبه محوری را سرلوحه مبارزه قرار دهند که دارای دو ویژگی مهم باشد؛ اولاً آنقدر شورانگیز باشد که تحقق آن مایه مباهات کارگران گردد و الهام بخش آنان برای ادامه نبرد و ثانیاً چنان فراگیر و عام باشد که بتوان تمام بدنه کارگران و نیز اقشار تحت ستم جامعه را حول آن بسیج نمود. به این اعتبار اکتفا کردن به مطالبات صنفی و صرفاً اقتصادی به نوعی پذیرفتن شکست است و در خود فرو رفتن؛ تاکید و تمرکز بیش از حد بر خواست اداره شورایی و کنترل کارگری در لحظه کنونی فاقد پتانسیل کافی برای بسیج کل کارگران و یا بخشهای مختلف تمام طبقه است؛ ادعای مالکیت اشتراکی که دیگر یاره گویی محض است. چنین به نظر می رسد شعار خلع ید از زانو دقیقاً همان حلقه اصلی باشد. مبارزه حول محور حذف زانو با همه اما و اگر هایش، هوشمندانه ترین تاکتیکی است که می شود برای متحد نگاه داشتن کارگران جهت تداوم نبرد و جلب حمایت آحاد جامعه اتخاذ نمود. تضمین تداوم نبرد پس از خلع ید رسالتی است بر عهده همه کارگران و کمونیست ها و نه بدهی کارگر هفت تپه به چپ های ناسیونالیست.

آن سوی میدان، حکومت اسلامی نیز تحت فشار اعتصابات نفس گیر و حماسی کارگران کاملاً به هم ریخته است. بر متن اعتراضات به حق کارگران و دیگر اقشار تحت ستم، دو جناح اصول گرا و اصلاح طلب از سر استیصال و در عین حال فرصت طلبی به جان هم افتاده اند. استفاده از این تشتت و تفرقه در صفوف دشمن، برای کارگران حائز اهمیت است. کارگران هفت تپه همواره به قدرت خودشان متکی شدند و باید در اساس باز به همین قدرت متکی شوند اما استفاده از شکافها در صفوف دشمن را نیز نباید نادیده گرفت. بدیهی است حکومت هر چقدر متشتت و متفرق تر باشد آسیب پذیرتر و پیروزی بر او سهل تر خواهد بود. به نفع کارگر است اگر یک اصول گرا یقه هم طبقه ای اصلاح طلب خود را بگیرد و او را در صحن مجلس دزد و اختلاسگر خطاب کند و برعکس؛ فی الواقع گوشه کوچکی از یک حقیقت بزرگ را گفته است. پرواضح است که کارگر همواره باید مراقب استقلال طبقاتی خود باشد با این همه تنها ساده لوحان و عوامفریبان هستند که استفاده از انشقاق در صفوف



کارگری، در داخل و خارج از آن حمایت میشود و مشخصا در مرکز ایران به تحرک و تجمع اعتراضی منجر میشود. این تجربه مهمی است. کاش فعالین و رهبران شناخته شده و مبارز دیگر در جنبش کارگری در حمایت از این اقدام پیامهای فردی خود را منتشر میکردند. جنبش کارگری برای پیروزی به هزاران رهبر شناخته شده و رادیکال

و مدعی اداره شورایی همانند اسماعیل بخشی، در مقابل خیل سران مرتجع هیئت حاکمه بورژوازی احتیاج دارد.

**سعید آرمان:** این حرکت با نقدها و مخالفتهایی هم روبرو شد. استدلال مخالفین چیست؟ نظر شما را بدانیم؟

**رحمان حسین زاده:** برخوردهای متفاوتی در مقابل این حرکت مبارزاتی مطرح شد. اینجا لازمه بین نقد، مخالفت و دشمنی با این حرکت کارگری تفاوت قائل شد. مواردی نقد و ابهام و سؤال وجود داشته و مطرح شده است. به نظرم در برخورد به یک حرکت مبارزاتی طرح نقد و سؤال و حتی ابهام، به شرطی که سالم طرح شوند، ایرادی ندارد. پاسخ هفت بندی کارگران هفت تپه نشان میدهد، که گوش شنوا از جانب آنها وجود داشته و به همین دلیل پاسخ روشنگری را منتشر کردند. تا کید کنم پاسخ هفت بندی کارگران هفت تپه بسیار کمک کننده است و ما را از توضیحات بیشتر معاف میکند. با این وجود مواردی مخالفت هم وجود داشته و این هم با دشمنی کردن فرق زیادی دارد. اینجا به تک تک مخالفان نمیتوانیم بپردازیم. یک مورد این بوده که چرا فراخوان اعتراض در تهران را یک نفر که منظورشان اسماعیل بخشی است مطرح کرده، توضیحات کارگران هفت تپه نشان میدهد که اولاً ابتدا فراخوان جمعی صادر شده و ثانیاً هشتک و شعار و فراخوان به درست توسط اسماعیل بخشی هم داده شده و حرکت را تقویت کرده است. در پاسخ سؤال قبلی در مورد ضرورت پیامهای فردی رهبران کارگری توضیح دادم و آن را تکرار نمیکنم. در نتیجه خود این نوع ایرادگیری که چرا رهبر و فعال کارگری پیام میدهد؟ خود نگرش غلط و جای نقد است.

مورد دیگر این نقد مطرح شده، که گویا کارگران هفت تپه "به دام کشمکش جناحهای جمهوری اسلامی افتاده و در راستای اهداف جناح طرفدار بخش دولتی حرکت کنند". این مورد البته برخورد دقیق میخواهد، اما دوباره تاکید میکنم توضیحات کارگران هفت تپه در این مورد هم روشنگر و نشان میدهد این خود آگاهی طبقاتی هست که توهمی نسبت به بخش دولتی ایجاد نشود. به ویژه ما با پتانسیل رادیکال در مبارزات کارگران هفت تپه آشنا هستیم، که به دام اهداف جناحهای جمهوری اسلامی نیفتند.

و نهایتاً علاوه بر دشمنی جمهوری اسلامی و عوامل اسد بیگی، مواردی دشمنی و از جمله یک مورد شناخته شده از جانب فرد بد نامی مانند رضا رخشان دوباره علیه مبارزه کارگران مطرح شده است. سابقه این فرد در همسویی با نهادها و ترفندهای رژیم در میان کارگران لازم به توضیح نیست. حتی کاراکتر منفی و پرووکاتوری او علیه کارگران مبارز و نیروهای چپ هم عیان است. اما آنچه این بار از او دیده شد، جهل و عقب ماندگی و نگرش مردسالارانه و ضد زن و لمپنی بود که

## دو گانه خصوصی، دولتی و مبارزات

### کارگران هفت تپه!

**تلخیصی از گفتگوی تلویزیونی پرتو با رحمان حسین زاده**

**سعید آرمان:** نیشکر هفت تپه هنوز مرکز پرتپش اعتراضات کارگری است. فراخوان به تجمع در تهران توسط کارگران هفت و اسماعیل بخشی با حمایت روبرو شد. حزب حکمتیست از این حرکت حمایت کرد. این حرکت چه اهمیتی داشت؟

**رحمان حسین زاده:** اهمیت بسیار زیادی داشت. به این دلایل: الف- یک ابتکار مبارزاتی خلاقانه در مقابل دشمن طبقاتی و طرف مقابل بود. حاصل اعتصاب و اعتراضات گسترده کارگران هفت تپه و حامیان، در کشمکشهای حقوقی-قانونی هم بازتاب پیدا کرده است. جلسه "هیئت داور" برای بررسی این موضوع در دادگستری تهران تشکیل شد. جلسه هیئت داور اگر مثلاً در همان شوش برگزار میشد، هزاران نفر از کارگران هفت تپه و خانواده های کارگری و مردم منطقه مقابلش تجمع میکردند و به اجتماع بزرگ کارگری تبدیل میشد. کارگران مبارز هفت تپه و اسماعیل بخشی اما نظاره گر نبودند و مبتکرانه فراخوان تجمع اعتراضی در تهران را به حامیان هفت تپه دادند. در پیشبرد مبارزات کارگری و توده ای نفس ابتکارات خلاقانه و به موقع بسیار مهم است و این فراخوان نمونه ای از این ابتکارات بود.

ب- بعد از اعتصاب و اعتراضات پرجمعیت دوره اخیر، ابتکار خلاقانه زنده نگه داشتن تحرک مبارزاتی و اراده مبارزاتی و به تاثیر از آن حفظ اتحاد و همبستگی کارگران مبارز هفت تپه مهم است و به نظرم کارگران هوشیار و موثر در مبارزه هفت تپه به شیوه های مختلف تاکنون این سرزندگی مبارزاتی را این دوره حفظ و تداوم بخشیده اند. فراخوان به تجمع اعتراضی با شعار "خلع ید یک کلام والسلام" این اهمیت مبارزاتی را داشت که خیلها یا متوجه اش نیستند و یا به عمد میخواهند آن را تخطئه کنند.

ج- یک دستاورد مهم دیگر اینکه صدا و اراده مبارزه یک مرکز کارگری هر چند مهم از جنوب ایران، به قلب کشور، به پایتخت کشانده شد. به اعتراض فراکارخانه ای و حتی فرا استانی تبدیل شد. این تجربه گام مهمی در راستای سراسری کردن واقعی و زمینی مبارزات کارگری و توده ای است. در تهران و در غیاب حضور کارگران هفت تپه اما در پیوستگی با اعتراض و بلند کردن خواسته آنها بخشی از کارگران، دانشجویان، بازنشستگان، همگامی مبارزاتی خود را با کارگران هفت تپه بیش از پیش محکمتر کردند. این تجربه و دستاورد مهمی در مسیر ایجاد همبستگی سراسری مبارزاتی کارگری و تغییر جدی تر تناسب قوای مبارزاتی در این دوران است.

د- و بالاخره برجسته شدن فراخوان یک رهبری کارگری رادیکال و شناخته شده چون اسماعیل بخشی یک جنبه مهم دیگر این تجربه است. رهبری کارگری از جنوب ایران فراخوان میدهد، در سطح جنبش



## دو گانه خصوصی، دولتی و مبارزات

### کارگران هفت تپه!

تلخیصی از گفتگوی تلویزیون پرتو با رحمان حسین زاده ...

**سعید آرمان:** دوجناح جمهوری اسلامی، یکی طرفدار بخش خصوصی و دیگری بخش دولتی در اتفاقات و از جمله در هفت تپه دخالت دارند، یک نگرانی اینست، اعتراضات کارگران در جهت اهداف یکی از این جناحها کانالیزه شود. چه تضمینی هست که این اتفاق نیفتد؟

**رحمان حسین زاده:** این نگرانی به کارگران و به همه ما این هشدار را میدهد که با حساسیت بالا به توطئه گریها و ترفندهای جناحهای جمهوری اسلامی باید برخورد کرد. کارگران و کل جنبشهای اعتراضی میدانند، جمهوری اسلامی نه تنها سرکوبگر و مستبد، بلکه سیستم پیچیده و مخوف و پر از ترفند و تطمیع و مانورهای ضدانسانی است. یک جنبه مهم اینست تاکنون در هفت تپه علیرغم انواع ترفندها و حتی مواردی بروز روشهای مورد نظر این یا آن جناح، اما نتوانسته اند موفق شوند و این نشانه هوشیاری بالا در صفوف هدایتگران مبارزات برحق در هفت تپه است و اطمینان دهی خوبی است. یک نکته را هم تاکید کنم، اینطوری نیست که گویا جناحی طرفدار بخش خصوصی و دیگری نه! این تصویر غلطی است. هر دو جناح تاکید دارند، که در قانون اساسی رژیمشان بخش خصوصی و خصوصی سازی مصوب است. مالکیت خصوصی در نظامشان مقدس است. مسئله اینست دو جناح اختلاف سیاسی و جنگ قدرت خود را در این عرصه و در مورد نحوه اداره مراکز کارگری در این قالب و پوشش عوامفریبانه مطرح میکنند. و نهایتا تضمین اینکه کارگران به دام ترفندهای جناحهای جمهوری اسلامی نیفتند، در چند مسئله است. آگاهی طبقاتی، تشخیص ماهیت ضد کارگری طرحها و پروژه های جناحها، تعیین تاکتیک و اقدامات کارگری و روش مبارزاتی متحد کننده و درست در مقابل مانورهای آنها، مهمتر حفظ اتحاد کارگری و اتکا به تشکل کارگری به عنوان مظهر اراده عمل مستقیم کارگری که در مجامع عمومی و شوراها تجلی پیدا کند. تحرک رادیکال کارگری سالهای اخیر در جهت اداره شورایی و یا طرح نظارت کارگری بر سوخت و ساز نیشکر هفت تپه نشان میدهد طرحهای جناحهای جمهوری اسلامی خنثی شده و باز هم میتواند خنثی شود.

**سعید آرمان:** به عنوان سؤال آخر در بحثهای اشاره ای هم شد، کارگران از نظارت کارگری در نیشکر هفت تپه صحبت میکنند، چرا مستقیم تر مساله کنترل کارگری برجسته نیست، و ضمنا اگر صحبت پایانی دارید، بشنویم؟

**رحمان حسین زاده:** به نظرم کارگران هفت تپه هوشیارانه و با تشخیص تناسب قوای مشخص این مقطع، نظارت کارگری را مطرح میکنند و نه کنترل کارگری. این را تاکید کنم نظارت کارگری و کنترل کارگری با دیوار چین از هم جدا نمیشوند. نظارت کارگری راه صاف کن و تسهیل کننده رسیدن به کنترل کارگری هم هست و شواهد نشان میدهد، مبارزات کارگری در این مسیر پیش میرود. اما بحث دو نحوه عمل مستقیم کارگری در دو تناسب قوای متفاوت است. در تناسب قوای کنونی نظارت کارگری عملی و قابل اجرا است. کارگران حق دارند و باید نظارت بر کل سوخت و ساز مرکزی کارگری و در این مورد هفت تپه داشته باشند. نظارت بر نحوه اداره و کارکرد مدیریت و دفتر و دستک و دخل و خرج آن، پروژه ها و سود و زیان کارخانه و ... را داشته باشند و این کمک میکند به اعمال اراده کارگران و اعمال محدودیت بر کارکرد مالکیت و مدیریت کارخانه و در راستای منفعت کارگران است. کنترل کارگری فراتر از نظارت کارگری است. یعنی روش و شیوه ای که کل

علیه کارگران و نیروهای چپ از خود نشان داد. من دشمنی او با کارگران و این عقب ماندگی و مردسالاری و لمپنیسم را نقد کردم. قبل از شروع مصاحبه مان دیدم پاسخی به نقد من نوشته و اذعان کرده که اشتباه کرده و گویا فایل صوتی اش را عوض کرده، حال در هر پروسه ای به این اشتباه پی برده مثبت است، اما در ادامه با همان فرهنگ عقب مانده و لمپنی، با فرهنگ اسلامی، هیچ مرز اخلاقی را رعایت نکرده و انواع دروغ و اتهامات را نسبت به حزب حکمتیست و من سرهم بندی کرده و این تاکید است بر اینکه اذعان به اشتباهش بیشتر مصلحتی و کمتر از روی متقاعد شدن آگاهانه است. نشان میدهد در دشمنی با کارگران و حمایت از کارفرمای هفت تپه برای وی یک انتخاب آگاهانه است.

**سعید آرمان:** شما هم اشاره کردید، بخشی از مخالفین میگویند، کارگران هفت تپه فقط علیه بخش خصوصی اند و طرفدار مالکیت دولتی. در صورتی که هر دو سیستم مالکیت استثمارگرند و به حال کارگر فرق نمیکند. مخالفان چقدر در این ادعا محق اند و نظر شما چیست؟

**رحمان حسین زاده:** با نگاهی به پاسخ هفت بندی کارگران هفت تپه و مهمتر با مروری بر سابقه مبارزات همین دوساله اخیر هفت تپه متوجه میشویم که مخالفان در این ادعا محق نیستند. تجربه مبارزاتی هفت تپه و توضیحات کنونی شان آن درجه از خود آگاهی طبقاتی را نشان میدهد که از زبان بخش پیشرو و رادیکال مبارزات کارگری هفت تپه توهمی نسبت به ماهیت استثمارگرانه بخش دولتی بیان نشده است. اما چرا کارگران هفت تپه و حتی بسیاری از مراکز کارگری مهم در این مقطع عمدتا علیه بخش خصوصی و با شعار خلع ید آن به میدان آمده اند، به این دلیل ساده که مستقیما با این بخش سرمایه داری ایران دست و پنجه نرم میکنند. افسار گسیختگی بخش خصوصی در سراسر جهان و به ویژه در ایران هیچ مرزی نمیشناسد. در نتیجه کارگران به عنوان تاکتیک مشخص در این شرایط مشخص میخواهند دست این بخش سرمایه را از سر خود کوتاه کنند. یک مرکز کارگری به تنهایی که زورش نمیرسد کل سیستم استثمارگر سرمایه را برچیند، فعلا میخواهند این بخش را خلع ید کنند و اگر موفق شوند لطمه بزرگی به کل کاپیتالیسم ایران میزنند و بعدا قدرتمندتر در مقابل بخش دولتی هم میتوانند به مبارزه ادامه دهند. به علاوه بحث نظارت کارگری بر مالکیت دولتی را مطرح میکنند و این به معنای اینست در راستای منافع کارگران، میخواهند محدودیتهای جدی بر مدیریت و مالک بعدی بگذارند. طبعاً بر این مسئله مجددا باید تاکید کرد، که کارگران در عین مبارزه بی امان برای خلع ید بخش خصوصی در مورد ماهیت استثمارگرانه و سرمایه دارانه بخش دولتی مداوما آگاهگری طبقاتی داشته باشند و نگذارند در میان کارگران کوچکترین توهمی نسبت به این بخش ایجاد شود.



مقابله موثر با یک پاندمی قرنطینه به تنهایی نمیتواند راه حل نهایی باشد. واکسنی مثل فایزر و مدرنا که حدودا پس از نه تا ده ماه پس از شیوع پاندمی کرونا و آزمایشات مختلف به بازار عرضه شده اند و با کنترل سازمانهای پزشکی مستقل اروپایی و آمریکایی مجوز تزریق گرفتند، بنظر می آید مبارزه جدی تر و نهایی تر را به جهانیان در

مقابله با پاندمی کرونا نوید میدهند. امروز پس از تائید سازمانهای کنترل دارویی تزریق واکسنهایی مثل فایزر و مدرنا در جوامع با بالاترین میزان ممکن شروع شده است. ما در سراسر دنیا با تلاش اکثریت دولتها روبروئیم که سعی در تهیه هرچه بیشتر، ارائه رایگان و تزریق این واکسنها به اتباع خود هستند تا به این ترتیب مقابله کارساز بر علیه ویروس کووید ۱۹ را بشمار برسانند. روشن است تزریق واکسنهای نامبرده بلافاصله برای همگان میسر نیست، برای همین کشورهای غربی تزریق واکسن را براساس اولویتها و گروهبندی سنی آغاز کردند.

عکس العمل جمهوری اسلامی در مرحله واکسیناسیون جامعه هم، همانطور که انتظار میرفت از جنس دیگری است. شیوع پاندمی کرونا باعث گردید که سرنگونی جمهوری اسلامی موقتا به تعویق بیافتد. با اعلام کشف واکسن کرونا، جمهوری اسلامی تلاش واقعی در تهیه و ارائه واکسن از خود نشان نداده و نمیدهد و با ادعاهای ضد و نقیضی از خرید واکسن شانه خالی میکند. در ابتدا اعلام میکند که امکان پرداخت هزینه واکسن را بخاطر محاصره اقتصادی ندارد. بلافاصله این دروغ آشکار شد که اولاً محاصره اقتصادی ابداً ربطی به خرید واکسن کرونا ندارد، دوماً همزمان نمی توان از عدم امکان خرید واکسن صحبت کرد ولی میلیاردها دلار برای نیروهای نظامی ارتجاعی جنبش سپاه اسلامی در منطقه هزینه کرد و یا در کنار حمایتهای مالی سرشار به تروریستهای اسلامی، پروژه چند صد میلیارد دلاری اتمی شدن جمهوری اسلامی را پیش برد. لذا جمهوری اسلامی بسرعت مجبور شد بدنبال بهانه های دیگری بگردد و بلافاصله خبر دادند که تا تابستان آینده "واکسن ملی" را به جامعه تحویل خواهد داد. صرف نظر از اینکه کشف واکسن کرونا و تولید آن بدور از استانداردهای سازمان بهداشت جهانی خارج از محدوده امکانات پزشکی جمهوری اسلامی است، جامعه و طبقه کارگر خواستار تامین و پخش فوری و رایگان واکسن است. با یک محاسبه سرانگشتی، جمهوری اسلامی حاضر بود حداقل یکصد هزار نفر مبتلا به کرونا تا تابستان آینده از دست بروند، ولی حداقل شش ماه از ارائه فوری واکسن به مردم سر باز زد. در ادامه و با بالا رفتن فشار جامعه روی خود بناگاه واکسنی که قرار بود در تابستان آینده ارائه شود بمرحله "آزمایشی" میرسد و برای اینکه "موفقیت آمیز" بودن "واکسن ملی" خود را نشان دهد، رسانه های دروغ مقابل دوربین از تزریق این واکسن به فرزند رئیس ستاد اجرایی فرمان خمینی به عنوان یکی از داوطلبان خبر میدهند. اما این دروغ هم پس از گذشت یک روز افشاء می شود. معلوم میشود که آزمایش "واکسن ملی" که قرار بوده تنها بر روی سه نفر انجام شود، مینو محرز عضو کمیته کرونا، اعلام میکند که به "برخی" از این سه نفر واکسن و به "برخی دیگر" دارونما تزریق شده است. روشن است بین تنها سه نفر چه کسانی واکسن "ملی" و چه کسی "دارونما" دریافت کرده است؟

## تامین و ارائه رایگان واکسن کرونا با استاندارد جهانی وظیفه فوری جمهوری اسلامی است!

نادر شریفی

یکی از راه حلهای برای مقابله با پاندمی، کووید ۱۹، ابتدا شناسایی بیماری، سپس ایزولاسیون (قرنطینه) و دست آخر درمان مبتلایان به بیماری به صورت گروهی است. کشورهای جهان با شیوع پاندمی کرونا براساس همین متد برای مقابله با آن بدرجات مختلفی قرنطینه و ایزولاسیون را اعمال کردند تا جلوی شیوع غیرقابل کنترل این پاندمی را بگیرند. با نگاهی به بحران کرونا در سال گذشته و شیوع آن در سراسر جهان میتوان گفت که بسیاری از دولتها در جلوگیری از شیوع کرونا نسبتاً موفق و بسیاری دیگر (همانند جمهوری اسلامی در پایان این جدول) کاملاً ناموفق بودند. آمار رسمی، صرف نظر از اینکه در کشورهایی مثل ایران قابل اعتماد نیست، با این وجود نشان میدهند که در کشورهایی که فاصله طبقاتی بین دو طبقه جامعه آن چنان زیاد بوده و حداقل بیمه های درمانی در جامعه به نسبتی برای همگان مهیا بوده و یا استفاده از امکانات پزشکی برای مقابله با پاندمی کرونا برای اکثریت جامعه را ممکن کرده است، کرونا تلفات انسانی کمتری بجا گذاشته است. بنابر این میتوان ادعا کرد که میزان مبتلایان و تلفات انسانی در کشورهای بیشتر بوده است که حکومتهای آنان خود را کمتر و یا مطلقاً مسئول جان و سلامتی شهروندان جامعه نمی دانستند. برای همین با شیوع پاندمی کرونا در ایران و میزان غیرقابل باور تلفات جانی آن در کنار گرانی سرسام آور، کمبود مواد غذایی و دارویی، افزایش بیکاری چند میلیونی، بی خانمانی و بالا رفتن میزان خودکشی و ... نشان داد که جمهوری اسلامی بعنوان یک حکومت ضد مردمی نه در فکر چاره جویی برای درمان جامعه که در چپاول ثروتهای جامعه بنفع اندوخته های شخصی و اعضای حکومتی حتی در شرایط بحران کرونا سرعت بخشیده است. در نتیجه کارنامه یکساله جمهوری اسلامی تحت نام "مبارزه با پاندمی کرونا"، در کنار دهها هزار تلفات جانی، رشد صعودی فقر مطلق، عدم دستیابی هفتاد درصد جامعه به حداقل معیشت، بی خانمانی برای حدود نیمی از اعضای جامعه، بی آیندگی و فلاکت عمومی بوده است. دولت اسلامی حافظ سرمایه در بحران کرونا، فرصتی یافت که بر میزان سرکوب، اعدام، کشتار و شکنجه مخالفین سیاسی بیفزاید و در این بحران، به حسابهای بانکی و سرمایه های داخلی و خارجی حکومتگران و مافیای اقتصادی خامنه ای و سپاه پاسداران بیافزاید. در نتیجه و در ادامه این بحران، جامعه ایران قطبی تر شد، مسئله بحدی عیان است که از حکومتی ها تا مردم کوچک و خیابان، انفجار خشم اجتماعی میلیونها کارگر و زحمتکش را امری واقعی برای واژگون کردن ساختار نابرابر جامعه ممکن میدانند.

### واکسیناسیون فوری!

و اما راه حل دوم و در واقع راه حل اصلی برای مبارزه با یک پاندمی، واکسیناسیون کل جامعه است. قرنطینه ها میتوانند در مرحله ای کاهش شیوع کرونا را با خود همراه داشته باشند اما در دراز مدت و برای

## تامین و ارایه رایگان واکسن کرونا با استاندارد جهانی وظیفه فوری جمهوری اسلامی است ...

## دو گانه خصوصی، دولتی و مبارزات کارگران هفت تپه!

تلخیصی از گفتگوی تلویزیون پرتو با رحمان حسین زاده ...

تولید و توزیع و بستن قراردادها و تامین مواد اولیه و پرداخت حقوق کارگران و استخدام و تضمین کارایی تولیدی و طرف شدن با موسسات و دولت مربوطه مستقیماً در کنترل خود کارگران و تحت مدیریت آنها است. در نتیجه کنترل کارگری به تناسب قوای مساعدتر در جنبش کارگری و حتی در جنبش اعتراضی توده ای نیازمند است. معمولاً در شرایط ضعف بسیار بیشتر دولتهای مرکزی، در شرایطی که به آن تناسب قوای دو گانه و غیره گفته میشود، سیاست کنترل کارگری بیشتر قابل عملی است. آنوقت دولت مرکزی چنان ضعیف شده که نه در یک مرکز بلکه در دهها مرکز کارگری بزرگ، کنترل کارگری اعمال میشود. علاوه بر مراکز کارگری، در دانشگاهها، در جنبشهای اجتماعی دیگر، در محلات شهرها، کنترل از دست دولت مرکزی خارج میشود. قدرت کارگری و مردمی از پایین شکل میگیرد، قدرت دوگانه و چند گانه بروز پیدا میکند. به نظرم روند به طرف رسیدن به مقطعی است که کنترل کارگری به واقعیت عملی تبدیل شود. باید با دقت آن مقطع را شناخت و اجرایی اش کرد.

به عنوان حرف آخر، واضح است مبارزات کارگران هفت تپه به قلب پرشور و تپنده مبارزات کارگری ایران تبدیل شده است. دستاوردهای درخشانی داشته است. علاوه بر دوره های اعتصابات و اعتراضات پرشور در هفت تپه و شوش، استمرار و تداوم سرزندگی جنبش اعتراض کارگری هفت تپه با ابتکارات و خلاقتهای رهبران و پیشروان آن تاکنون خیلی اهمیت دارد. فراخوان اخیر به اعتراض در تهران نمونه برجسته ای از ابتکار و خلاقیت کارگری بود. اکنون و در ادامه امیدوارم شاهد شکل گیری مجامع عمومی منظم و سازمانیافته در بخشهای مختلف نیشکر هفت تپه باشیم. به این معنا امید اینست، تشکل شورایی و اداره شورایی آن طور که قبلاً فراخوانش را دادند، به واقعیت عملی تبدیل شود. به علاوه با هوشیاری لازمست ترندهای جناحهای جمهوری اسلامی شناسایی و خنثی شوند. در خاتمه خواست خلع ید بخش خصوصی، خواست برحق است و امیدوارم به تحقق آن نائل آیند. ضمناً با توجه به حساسیتی که در این رابطه هست و مباحثی که موجود است، انتظار از فعالین و رهبران پیشرو کارگری هفت تپه است، اولاً بر نظارت کارگری تاکید اساسی خود را تا مرحله اجرایی کردن داشته باشند و به علاوه با آگاهگری و روشن بینی تضمین کنند در میان توده کارگر توهمی نسبت به ماهیت استثمارگرانه، بخش دولتی و مالکیت دولتی در هفت تپه و یا هر مرکز کارگری دیگر ایجاد نشود. به فعالین و رهبران سازنده پیشرویهای جنبش کارگری و مبارزات کارگری هفت تپه دست مریزاد میگوییم.

\*\*\*

جامعه ایران یک جامعه سیاسی و آگاه است و می داند که جمهوری اسلامی با ظفره رفتن و بهانه کردن "مشکلات اقتصادی" برای خرید واکسن کرونا و یا پخش شایعه ارائه "واکسن ملی" امیدوار است که با بدراز کشاندن دوران کرونا، حداقل به توافقی با جهان غرب بخصوص با آمریکا در برجام دست پیدا کند تا شاید به همراه آن با افزایش فروش نفت و رفع محاصره اقتصادی، موقعیت خود را بهبود دهد. جمهوری اسلامی در طول حیات جنایتکارانه خود نشان داده است که ابداً رفاه و سلامتی جامعه مسئله این حکومت نیست. حفظ نظام محور اصلی و مشغله اول و آخر جمهوری اسلامی است. اکنون خواننده هوشمند میتواند به این سؤال جواب دهد که شیوع بحران کرونا بنفع حفظ جمهوری اسلامی بوده و پایانش با همه تلفات جانی بضرر جمهوری اسلامی خواهد بود.

بحران کرونا برای جمهوری اسلامی نعمتی بود برای سرکوب و چپاول بیشتر جامعه. بطور حتم پایان بحران کرونا، در درجه اول بمعنای اوج گرفتن دوباره مبارزات سرنگونی طلبانه انقلابی برای خلاصی از شر جمهوری اسلامی است. پایان یافتن و یا حداقل تحت کنترل قرار گرفتن پاندمی کرونا بر محور سرنگونی نظام تعریف می شود. بنابر این جمهوری اسلامی بدنبال خریدن فرصت برای حفظ نظام خود و بازگشت به حداقل قدرت اقتصادی برای سرکوب جامعه است.

جامعه باید فشار خود بر جمهوری اسلامی را برای تامین و ارائه رایگان و سریع واکسن با استاندارد سازمان بهداشت جهانی چند برابر کند. ارائه رایگان و سریع واکسن با استانداردهای جهانی حق کلیه ساکنین ایران و وظیفه اول امروز دولت است. جمهوری اسلامی موظف است بلافاصله و بدون ائتلاف وقت واکسن کرونا را خریده و رایگان در اختیار همگان قرار دهد.

۳۰ دسامبر ۲۰۲۰ - ۱۰ دی ۱۳۹۹

**منصور حکمت را بخوانید**

**و به دیگران معرفی کنید!**

<http://hekmat.public-archive.net>

[www.hekmat.com](http://www.hekmat.com)

**کمونیست را بخوانید و به دوستانتان معرفی کنید!**

## دولت را موظف کنیم:

- بیدرنگ شهرها و مناطقی بحرانی را قرنطینه کند، نیازهای بهداشتی، اقتصادی، تدارکاتی و خدماتی ویژه قرنطینه را تامین و تضمین کند!
- بیشترین امکانات و بودجه را به کادر درمان و نیازهای درمانی اختصاص دهد!
- کلیه مراکز تولیدی و خدماتی اعم از دولتی و خصوصی را تعطیل کند. تداوم فعالیت مراکز ضروری و اورژانس، بصورت شیفٹی با کاهش ساعات کار باشد!
- حقوق کارگران و پرسنل واحدهای تولیدی و خدماتی بدون کاهش یا تعویق پرداخت شود!
- هر نوع اخراج و بیکارسازی توسط کارفرمایان ممنوع شود!
- نیازهای معیشتی و پزشکی و بهداشتی کلیه ساکنین ایران را به فوریت تامین کند!
- کودکان کار، زباله گردہا، بی مسکنان و معتادین را در مراکز ویژه با رعایت کامل کرامت انسانی و تامین نیازهای معیشتی و بهداشتی آنان اسکان دهد!
- وسائل بهداشتی از قبیل ماسک، دستکش و شوینده ها بصورت رایگان توزیع شود!
- پرداخت قبوض آب و برق و گاز و اجاره و تلفن تا فائق آمدن کامل به بحران لغو شود!
- کلیه بدهی و دیون مردم به بانکها تا پایان بحران و برگشت به وضعیت عادی لغو شود!

### حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

[Siavash\\_d@yahoo.com](mailto:Siavash_d@yahoo.com)

**اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:**

سر دبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی  
کمونیسٹ

### به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفا کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400

BIC: DNBANOKKXXX

Bank: DNB

زنده باد سوسیالیسم!